

# تاراجگران رسمي ودولتي در نظام حكومتي

(استاد صباح)



به نام دین طمع بر تاج کردند  
تمام شهر را تاراج کردند  
هر آنکي میهنش رامیپرستید  
زدامان وطن اخراج کردند...

تولید هیروئین در افغانستان در مقایسه با سال قبل، سی و چهار فیصد رشد داشته و با وجود تلاش های بین المللی برای کاهش تولید مواد مخدر، در مجموع هشت هزار و دوصد تن هیروئین در افغانستان تولید شده است. در این مدت کاشت خشخاش هفده فیصد افزایش یافته و هم اکنون یکصد و نود و سه فیصد از مواد مخدر موجود در بازارهای جهان در افغانستان تولید می شود. تولید تریاک در افغانستان با ناامنی ها و خشونت های جاری رابطه مستقیم دارد.

انتخابات در شرایطی برگزار شد که تفنگ، پول و فساد اداری بیداد میکرد. در شرایطی که مردم ضرب ضربات ساله ای وحشت تنظیمی و طالبی را بر جسم و جان خود فراموش نکرده اند؛ در شرایطی که تاریخ و فرهنگ کشور ما مورد تاخت و تاز جنایتکاران قرار گرفت که زخمهای خونین آن تا کنون التیام نیافته؛ در شرایطی که آوارگان داخلی و مهاجرین اطمینان به زندگی آبرومند ندارند و در شرایطی که فساد اداری و سازش و مصلحت با صاحبان تفنگ و قدرت در رأس سیاست های دولت قرار دارد، چگونه میتوان از فضای دموکراتیک، آگاه و مردمی صحبتی بمیان آورد؟

کمیسیون های گذشته چه دسته گلی را به آب دادند که کمیسیون سمع شکایات از این ویا آن آدم تفنگی بر زندگی کسب کند؟ شکایت و اعتراض زمانی موجه و مرعی الاجراست که لوٹ تفنگ و جنگ سالاری از جامعه رخت بر بسته باشد. از کران تا کران کشور شکایت نه، بلکه شعله های خشم پنهان و آشکار مردم علیه حاکمیت تفنگ و فساد اداری زبانه می کشد، تبارز، تظاهرات خشمگین مردم علیه فساد اداری و حاکمیت تفنگ را دیدیم.

وعده و وعیده های دولت، حواریون و ملل متحد دوسیه ی ضخیم و اما بی نام و نشانی است که کمیسیون مستقل حقوق بشر آنرا ترتیب و تبلیغ کرد. وعده دادند که جمع آوری اسناد و شواهد دو سال را در برمی گیرد (بزرگ بزرگ نمیر که جو لغمان میرسد!) مجرمین جنگی در تار و بود دولت آنقدر نفوذ دارند که مرز بین مجرم و قاضی را مخدوش ساخته است.

دربازی انتخابات علاوه بر حاکمیت تفنگ و تهدید، پول حلال مشکلات بوده که در رقابت های انتخاباتی نقش بزرگی را بعهده داشت. دسترخوان جنگی، بخشش، خرید کارت، مصارف ترانسپورت و اوراق تبلیغاتی، تقلب های پی در پی و غیره به فرهنگ جنگ سالاران و ایادی آنان تبدیل شده که از طریق غارت دارائی های عامه (معادن، قاچاق مواد مخدر،

غضب شیرپور، جعل اسناد، حیف و میل کمک های بین المللی و ... ) و سرمایه های باد کرده، دعوی اخذ رأی، ریس جمهور، صدراعظم (ریس اجرائیوی)، و وکالت مردم را دارند؟! دوران عقل است ولی واقعیت دارد. فساد اداری (عدم تصفیه جنگسالاران از قدرت، رشوه، قوم و خویش بازی، واسطه، شناخت، تبعیض، تفتین و ...) از بالا تا پایین، از مرکز تا قرأوقصبات کشوربال گسترده وسایه افکند است.

دردرون حاکمیت مراکزی وجود دارند که این فساد را اشاعه داده و پشتیبانی میکنند. مافیای مواد مخدرمرکز قدرت دیگری است که تروریزم، جنگسالاری و بروکراسی را درجال خود تنیده توده های محروم و مظلوم و بخصوص روشنفکران و افسار میانه حال تاب مقابله با این هیولا راندارد.

به همین خاطر است که درانتخابات بیشرترین تقلب و دزدی را آنانی دارند. لودین دریکی از مصاحبه های خود شفتالو گفتند که «علاوه برطالبان، جنایتکاران دیگری هم بودند که شامل پروسه مصالحه ملی گردیدند؟» فرقی نمی کند که کی خیانت کرده و کی فرمان قتل صادر کرده، مهم این نیست، بل آنست که ثبات سیاسی با موجودیت و لوجنگسالاران و قاچاقبران با خائنین ملی حفظ شود. این هم سیاستی است ولی درخدمت عده ی محدود و خصم مردم.

این سیاست با منافع ملی و وحدت ملی شدیداً منافات دارد. مصالحه بامجرمین جنگی وقاتلین ملت گذشته ازتشدید نفاق بین ملیت ها، کارانتخابات را به رسوائی کشانید و راه ورود کسانی را به دولت باز نمود که دستان شان بخون مردم رنگین است. روشنفکران، احزاب سیاسی که نه پول دارند و نه سلاح ودموکراتها واستقلال طلبان شامل طیفی می گردند که نه زردارند و نه زور. سرمایه معنوی شان را معرفت وشعور سیاسی می سازد که با تکیه برآن، حرف دل مردم را می زند و مدافع آرزوها وخواسته های آنانند. پاسدارنوردربرابر ظلمت اند و با بیرق آزادی بی هراس ازرگبار تهدید و ارباب که سایه شوم تفنگ وپول برصندوق های رأی سایه افکنده بود حرف های روگ راست خود را گفتند ونوشتند. بنابراین سندی که سازمان ملل در رابطه با موادمخدرنشر نموده، افغانستان علیرغم کاهش قابل توجه درزرع این مواد طی سال جاری، در صدر کشورهای تولید کننده آن قرار دارد.

درین سند آمده که حدود ۲۰۰ میلیون نفر با ارزش بیشتر از ۳۰۰ میلیارد دالردین کاروباردخیل اند و تجارت سالانه آن به ۱۳ میلیارد دالر (۹ میلیارد دالربوسیله تاجران کلان و ۴ میلیارد دالر آن بوسیله تاجران کوچک) میرسد. مافیای داخلی و یاران بین المللی شان با استفاده ازوضع بی ثبات دولت، حاکمیت ملوک الطوائفی، فساد اداری، فقر و بیکاری مردم، بهترین استفاده ها را برای رایج کردن این مواد کرده است و از این خوان چرب، تروریزم و جنگسالاری نیز سودهای کلانی می برد. بی بنیادترین فکر و عمل، محکوم نمودن دهقانان فقیر برای زرع این مواد وچپه کردن مزارع شان بوسیله نیروهای امنیتی است. زیرا اگر شبکه قاچاقچیان از مستی به این کار رو میاورند، دهقانان ما از مجبوریت و فقط بخاطر سیرکردن شکم خود و اولاد شان دست به زرع آن می زنند.

حال دولت و حامیان بین المللی آن محاسبه کنند که آیا اراده و توانایی مقابله با این اختاپوت ها را دارند و یا اینکه درحد مجادله لفظی با آنان اکتفا کرده و درخفا برای هرکدام از شبکه ها چراغ سبز نشان خواهند داد تا با خاطر آرام به کار شان مشغول باشند. اگرپلان فرضی چنین باشد، روشن است بغير از مردم ما وکسانی که دردنيا بنا به هر دلایلی برای تسکین آلام خود به این مواد رو میاورند متضررین اصلی این سناریو بوده، سود اصلی را سلطانهای مواد مخدر و شهزاده های کوچک آنان؛ جنگسالاران و تروریست ها خواهند برد وکشور ما چندین دهه ی دیگر به مرکز قاچاق، جنایت و انواع فساد باقی خواهد ماند و مردمش روی خوشیختی را نخواهند دید.

دردولت اگر وزیري بر ضد جنگسالاری و فسادحکمت ولو بسیارکوچکی انجام دهد، قابل تحمل نیست و باید کنار برود. و این احتمالاً ناشی از فشارموزی است که جنگسالاران و مافیای موادمخدردولت را درمحاصره گرفته اند.

دولت هر قدر به طرف سیستم شدن پیش برود به همان پیمانانه غرق درفساد بروکراسی میگردد. حال مردم به وعده های دولت ولو اینکه با نیت پاکش توأم باشد وصادقانه آن را بخواهد باورنمی کنند، چون میدانند توان تحقق خواسته های را ندارد. مردم در عمل دیدند که دولت بلد است حرفهای دل خوش کن بزند که اصلاً قادر به انجام آن نیست. وقتی دولت دربرابر حادثه ای قرار گرفت عموماً از دید، موضع وخواست مردم به آن برخوردار می کند اما فردایش چون تشویش از عواقب آن دارد و یا هم احتمالاً تهدیدی دریافت کرده بلافاصله لاحول کرده خلاف قرار خود عمل می کند و مردم را در حیرت و تعجب فرو می برد.